

تحلیل اقتصادی اسناد تجاری به عنوان سیستم پرداخت

ابراهیم عبدی پور فرد^۱

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه قم

علی فتوحی راد^۲

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۸

چکیده

مهم ترین کارکرد اسناد تجاری به معنای خاص آن است که وسیله یا ابزاری برای پرداخت های غیر نقدی هستند. شناسایی کارکرد این اسناد به عنوان یک سیستم پرداخت، می تواند در توصیف واقع بینانه و تحلیل کارکردگرایانه این اوراق بسیار مؤثر باشد. رویکردی که با استفاده از تحلیل اقتصادی کارکرد مطلوب یا کارآمد این اوراق پاسخگوی بسیاری از مسائل حقوقی پیرامون آنهاست. در این پژوهش علاوه بر استفاده از روش های توصیفی و تحلیلی، از روش های تبیینی و استنتاجی بهره برده ایم تا رابطه منطقی میان ویژگی ها و اوصاف اسناد تجاری و کارکرد آنها به عنوان یک سیستم پرداخت کشف شود و علل پیدایش اصول حاکم بر این اوراق روشن گردد. نتیجه این پژوهش نشان می دهد که تبیین صحیح اوصاف و ویژگی های این اوراق و تحلیل درست و جامع اصول و قواعد حقوقی حاکم بر سند تجاری و آثار حقوقی آن در روابط میان اطراف سند تجاری و رابطه بین تعهد ناشی از سند تجاری و تعهد منشاء صدور یا ظهن نویسی سند، صرفاً با ملاحظه کارکرد اصلی سند تجاری به عنوان یک سیستم پرداخت، امکان پذیر است؛ به عبارت دیگر، تحلیل حقوقی اسناد تجاری در گرو تحلیل اقتصادی کارکرد آن است. همان گونه که تحقق کارکرد اقتصادی اوراق تجاری مستلزم برخورداری از ویژگی ها و حاکمیت اصول و قواعدی است که چنین کارکردی را تضمین و حمایت کند.

کلید واژه ها: اسناد تجاری، ویژگی اسناد، اصول و قواعد، ابزار پرداخت، سیستم پرداخت.

۱- E.abdipoor@qom.ac.ir

۲- ali.fotuhirad@yahoo.com

طبقه‌بندی JEL : K10, K14, G10

مقدمه

برای اسناد براتی یا اسناد تجاری به معنای خاص، ویژگی‌ها، اوصاف و فوایدی بیان گردیده است؛ اما بدون تردید مهمترین ویژگی، «کارکرد» آن‌ها به عنوان وسیله پرداخت است و سایر اوصاف و خصوصیات نیز بایستی حول این محور و در راستای تحقق آن ارزیابی و بررسی گردد. این ویژگی در ادبیات حقوقی با تعبیرات متفاوتی بیان شده است. برخی نویسندگان در بیان مزایای این اسناد، آن را ابزار پرداخت جانشین پول و یا به تعبیر بهتر پول کاغذی دانسته‌اند. (Corley, 1989:3, Kavyani, 2011:18, Fakhari, 2001:2, Lawrence, 2002:4) و برخی دیگر، از این اوراق به عنوان پیوند دهنده قرارداد و پول (ثمن) یاد نموده‌اند که این امر نه تنها حاکی از وجود قرارداد پایه و ارتباط سند با آن، بلکه بیانگر نقش و کارکرد این اسناد به عنوان یک سیستم پرداخت است. (Lawrence, 2015:2) بعضی دیگر از نویسندگان، در بیان ویژگی‌های اسناد تجاری، آن را متضمن تعهد به پرداخت مبلغی وجه نقد و قابل انتقال دانسته و ابزار پرداخت بودن و تحصیل اعتبار را از جمله وظایف (Naseif, 1998:288, Talahemeh, 2012:309) و یا نقش اقتصادی آن دانسته‌اند. (Eskini, 2014: 21-24)

برخی از مولفان حقوق تجارت با اشاره به کارکرد این اسناد به عنوان ابزار و سیستم پرداخت، ویژگی‌های و اصول حاکم بر آنها را در جهت تأمین همان کارکرد تلقی کرده‌اند (Akhlaghi, 2002:31, Abdipour, 2016:33) این نظریه در توجیه و تحلیل ویژگی‌های اسناد تجاری و به ویژه در تفسیر آثار و نتایج تعهد براتی (تعهد ناشی از سند تجاری) و مکانیسم عمل آن در ایفای دین یا تعهد پایه مؤثر و راهگشا می‌باشد. بعضی از نویسندگان هم ضمن اشاره به نقش جانشینی این اسناد به جای پول، ابزار کسب اعتبار و یا هر دو، قابلیت انتقال آن بدون هر نوع ریسک عدم وصول را کارکرد اصلی اسناد تجاری دانسته و بر این عقیده‌اند که ویژگی‌ها و اصول حاکم بر این اسناد، بیانگر اهمیت و جایگاه کارکرد یاد شده می‌باشد. (Clarkson et al., 2012:462, Mann & Roberts, 2012:496) با این همه باید گفت: سند تجاری ابزاری برای انتقال «ارزش پولی» است و با خود ابزار یا سند پولی تفاوت ذاتی و ماهوی دارد. از این رو، این تصور که اسناد تجاری جانشین یا معادل پول می‌باشند، چندان دقیق و عاری از خدشه نیست. برای تبیین این موضوع ضرورت دارد ابتدا به فلسفه وجودی اسناد تجاری خاص اشاره شود و سپس

کارکرد اصلی آنها به عنوان یک سیستم پرداخت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در پایان نتایج آن ارائه گردد.

هر چند مبنای اولیه ایجاد اسناد تجاری به ویژه برات و سفته در قرن ۱۴ میلادی، جلوگیری از خطرات مربوط به حمل و نقل مقادیر زیادی پول از نقطه‌ای به نقطه دیگر بوده است، اما به تدریج، یک نقش مهم به عنوان «ابزار پرداخت» در معاملات غیر نقدی بین تجار به آنها اعطا گردید. (Lawrence, 2002:6) پس از آن و به تدریج، این اسناد به عنوان وسیله و ابزاری برای کسب اعتبار مورد استفاده قرار گرفت. امروزه این اسناد با داشتن کارکردی دوگانه، به عنوان ابزار پرداخت و نیز وسیله کسب اعتبار و تأمین مالی در قراردادهای تجاری و مصرف کننده ایفای نقش می کنند. (Corley & Shedd, 1989:356, Lawrence, 2002:16, Miller & Jentz, 2010:528) با این وجود، کارکرد اصلی اسناد تجاری آن است که وسیله پرداخت غیر نقدی می باشند. (Abdipour, 2016:33) در توجیه چرایی ایفای این نقش و کارکرد، به نیاز تجار و آحاد جامعه به استفاده از ابزارهایی با قابلیت مدت پذیری، جلوگیری از خطرات حمل و نقل پول و هزینه‌های حمل، عدم نگهداری و تولید پول رایج و به ویژه تسهیل امور تجاری استدلال شده است. (Kavyani, 2011:18, Riper & Roblot, 2008:180)

البته بیان اخیر، در توجیه علت و فلسفه وجودی این اسناد تمام نیست. آنچه سبب گردیده این اسناد به عنوان ابزاری برای پرداخت مورد قبول واقع شود، وجود ویژگی‌ها و قواعد حاکم بر آنهاست که بیانگر هدف اصلی قانونگذار از اعتبار بخشیدن به اسناد تجاری یعنی حفظ کاربرد آنها به عنوان یک سیستم پرداخت است. این موضوع خود سبب تقویت جایگاه اسناد تجاری و افزایش اعتماد اشخاص به این اسناد به منظور پذیرش آنها در معاملات تجاری و غیر تجاری به عنوان یک وسیله پرداخت است. (Abdipour, 2016:53, Douydar, 1995:321)

پژوهش ما بر این فرضیه استوار است که اسناد تجاری به ضمیمه تریبات نهادی و توافقات میان اطراف سند و قوانین و مقررات راجع به آنها، از منظر اقتصادی و حقوقی یک «سیستم پرداخت غیر نقدی» را فراهم نموده‌اند و ویژگی‌ها و اصول و قواعد حاکم بر آنها را باید از این منظر تجزیه و تحلیل نمود. از این رو، نتایج پژوهش در چهار مبحث ارائه می شود. در مبحث اول و دوم، مفهوم و عناصر سیستم پرداخت بررسی شده و بر سند تجاری تطبیق شده است. در مبحث سوم، ویژگی‌ها و اوصاف اسناد تجاری به عنوان ابزار پرداخت و از نگاه کارکردگرایانه بررسی و

تبیین شده است و در مبحث چهارم، اصول و قواعد کلی حاکم بر اوراق تجاری با ملاحظه کارکرد اقتصادی آنها به عنوان یک سیستم پرداخت مورد تحلیل قرار گرفته است.

۱. مفهوم و عناصر سیستم پرداخت

۱-۱. مفهوم و تعریف سیستم

«سیستم» ریشه در واژه یونانی «سیستما»^۱ دارد و به معنی «با هم جان دادن» است. همچنین به معنی روش، طریقه، دستگاه و نظام آمده است. (Moein, 1988:407) به عقیده یکی از صاحب نظران فلسفه علم، سیستم مجموعه‌ای از دو یا چند عنصر است که سه شرط زیر را دارا می‌باشد. اول، هر عنصر سیستم بر عملکرد، رفتار و یا ویژگیهای کل سیستم، مؤثر است؛ دوم، بین عناصر سیستم از نظر عملکرد و نوع تأثیر بر کل سیستم، وابستگی متقابل وجود دارد؛ یعنی نحوه عملکرد و تأثیر هر عنصر بر کل سیستم، به چگونگی عملکرد حداقل یک عنصر از عناصر سیستم بستگی دارد؛ سوم، وابستگی اجزا به یکدیگر به نحوی است که اجزای فرعی مستقل در آن شکل نمی‌گیرد. در صورتی که اجزای یک مجموعه بر یکدیگر تأثیر و تأثر نداشته باشند، نه یک سیستم بلکه یک مجموعه شکل گرفته است. در حقیقت ویژگی و مشخصه یک سیستم، تعامل و ارتباط ناگسستگی اجزا از آن جهت که سیستم است، می‌باشد. (Ackaff, 1971:662)

باتوجه به تحلیل یادشده، در تعریف سیستم می‌توان گفت: «مجموعه‌ای از عناصر و ابزارهای مرتبط با تأثیر متقابل و ترتیبات خاص نهادی است که برای انجام و ایفای هدف خاصی ایجاد می‌گردد». بر مبنای تعریف مذکور، هر سیستم متشکل از اجزا و عناصری است که وجود هر یک به عنوان رکن تشکیل دهنده سیستم و لازمه ایجاد و تشکیل آن است. از سوی دیگر، اجزا و عناصر سیستم بر یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند، به گونه‌ای که می‌توان آن را عنصر سازنده و مؤثر در کارکرد سیستم محسوب نمود. از سوی دیگر، به لحاظ نقش و کارکرد مورد نظر است که سیستم به عنوان یک کل و مجموعه منسجم مورد شناسایی قرار می‌گیرد. از منظر حقوقی، وجود ترتیبات نهادی اعم از قانونی، قراردادی، رویه‌ها و استانداردها، مبنای شکل‌گیری سیستم و تحقق هدف و

کارکرد آن است. (Rambure & Nacamuli, 2008:19)

۲-۱. تعریف سیستم پرداخت

در قوانین موضوعه تعریفی از سیستم پرداخت به عمل نیامده، اما تعاریف مختلفی از سوی نویسندگان ارائه گردیده است. برخی با تاکید بر دو عنصر «توافق» و «انتقال ارزش بین طرفین»، سیستم پرداخت را چنین تعریف نموده‌اند: «سیستم پرداخت شیوه مورد توافقی است که، بر مبنای آن در قرارداد میان خریداران و فروشندگان، «ارزش پولی» انتقال می‌یابد.» (Humphrey, 2015:3) بانک تسویه بین المللی وجوه، سیستم پرداخت را این گونه تعریف نموده است: «یک سیستم پرداخت شامل مجموعه‌ای از ابزارها، رویه‌های بانکی و عمدتاً منابع بانک‌ها است که، گردش پول در سیستم‌های انتقال فراهم می‌سازد.» (BIS, 2001: 38) به نظر برخی، سیستم پرداخت، مجموعه‌ای از رویه‌های بانکی و به طور معمول سیستم انتقال وجوه بین بانکی است که، گردش پول را اطمینان بخش می‌سازد. (Rambure & Nacamuli, 2008:4) این تعریف ضمن تاکید بر نقش بانک‌ها در انتقال ارزش به لزوم انتقال پول بانکی بین اشخاص در نظام بانکی که سبب اجتناب از انتقال فیزیکی پول می‌گردد، اشاره دارد.

بهر حال، بر مبنای جامع‌ترین تعریف ارائه شده: «سیستم پرداخت هر گونه ترتیبات سازمان یافته به منظور انتقال ارزش پولی است که منجر به تسویه و ایفای تعهد می‌شود.» (Central banking, Seminar, 2000, Nakajima, 2011:1, Abdipour, 2016:15) امروزه سیستم‌های پرداخت و ابزارهای بکار گرفته شده در آنها اقسام متنوعی دارند. با توجه به هزینه‌ها و مخاطرات ناشی از نقل و انتقال وجوه در پرداخت‌های مستقیم نقدی، لازم است از ابزارهایی استفاده گردد که علاوه بر فقدان معایب آن، خود متضمن ویژگی‌ها و خصوصیات باشد که موجب ارتقای سطح کارایی پرداخت بین اشخاص دخیل در روابط قراردادی گردد. (Mann & Roberts, 2012:496) به همین دلیل، نقل و انتقال وجوه به طرقی غیر از انتقال مادی و فیزیکی آن از دو جهت دارای فایده و اهمیت اقتصادی و عملی است. اسناد تجاری به معنای خاص یا اسناد براتی بدلیل برخوردار بودن از مزایا و ویژگی فوق به عنوان یک سیستم پرداخت غیرنقدی یا کاغذی ایفای نقش می‌کند. (Nakajima, 2011:4)

بر این اساس، در توصیف اسناد تجاری به عنوان یک سیستم پرداخت می‌توان گفت: «ترتیبات

سازمان یافته مبتنی بر اسناد کاغذی یا الکترونیکی است که با هدف ایفای تعهد و تسویه بین اطراف یک قرارداد، سبب انتقال ارزش پولی به میزان مشخص می شود». در تحقق این سیستم تمامی عناصر یادشده در تعریف ضرورت دارد. از آنجا که به نظر اکثریت قریب به اتفاق حقوقدانان، صرف صدور یا قبول سند تجاری، سبب انتقال ارزش پولی و پرداخت و تسویه در روابط میان اطراف سند نمی باشد؛ (Shahidi,1995:153, Eskini,2015:6, Lawrence,2002:194,Mc john,2012:37) این پرسش مطرح می شود که مکانیسم عمل اسناد تجاری مانند چک و برات به عنوان «سیستم پرداخت» چگونه است؟

پاسخ اجمالی سؤال فوق آن است که اسناد تجاری در صورتی منجر به ایفای تعهد و تسویه می گردد که پرداخت کننده سند در سررسید نسبت به پرداخت وجه آن، اقدام نماید و در حقیقت از منظر زمان پرداخت قطعی و نهایی سند است که اسناد تجاری در مقایسه با سایر سیستم های پرداخت، به عنوان سیستم پرداخت غیر نقدی مورد شناسایی قرار می گیرد؛ اما پاسخ تفصیلی این پرسش با تجزیه و تحلیل ارکان و عناصر این سیستم و ارتباط و تعامل میان عناصر آن بدست می آید که در ادامه به این مهم می پردازیم.

۲. عناصر سیستم پرداخت و تطبیق آن بر اسناد تجاری خاص

۲-۱. طرفین پرداخت و اطراف سند تجاری

مهم ترین رکن هر سیستم پرداخت طرفین آن است. (Rambure & Nacamuli,2008:13) تعیین طرفین پرداخت در اسناد تجاری با توجه به دخالت عوامل مختلف در فرایند پرداخت با پیچیدگی خاصی روبروست و در هر حال، باید میان پرداخت کننده سند تجاری و مسئولین پرداخت سند تجاری تمایز قائل شد. به طور کلی، اسناد تجاری از این حیث به دو دسته «تعهد پرداخت» و «دستور پرداخت» تقسیم می شوند. در سفته که بصورت تعهد پرداخت تنظیم می شود، صادرکننده خود پرداخت کننده سند در سررسید یا عندالمطالبه است؛ اما در روند معمول دستور پرداخت هایی همانند برات و چک، پرداخت توسط دستور گیرنده یا محال علیه (یعنی براتگیر یا بانک محال علیه) صورت می گیرد؛ اما پرداخت شونده سند تجاری، شخص حقیقی یا حقوقی است که سند به نفع او صادر شده یا انتقال یافته است. (Turner & Wunnicke, 2003:24) با این همه، گاه در روند مطالبه و وصول سند تجاری از سوی دارنده و پرداخت سند از سوی شخصی که

باید سند را پرداخت کند، یک یا چند بانک نیز مداخله می‌کنند که نوعاً نقش نمایندگی و کارگزاری در «وصول» یا «پرداخت» سند تجاری را ایفا می‌کنند. (Nakajima, 2011: 4, Ibid: 7)

علاوه بر طرفین پرداخت، اشخاص دیگری در روند صدور و ایجاد سند تجاری یا ظهنویسی و انتقال آن دخالت دارند و در صورت عدم پرداخت ورقه تجاری توسط شخصی که باید وجه آن را پرداخت کند، در برابر دارنده مسئولیت تضامنی دارند.

(Corley & Shedd, 1989: 419, Clarkson, 2012: 479)

۲-۲. ابزار پرداخت بودن سند تجاری

از عناصر مهم هر سیستم پرداخت وجود ابزارهای پرداخت می‌باشد. (Rambure & Nacamuli, 2008: 23) با وجود این، از ابزار پرداخت تعریف مشخص و مناسبی به عمل نیامده و صرفاً در برخی آثار به آن اشاره شده است.

به نظر برخی از نویسندگان، ابزار پرداخت به شکلی از اشکال پول اشاره دارد. (Radu, 2003: 1) این نظریه به نقش و اهمیت پول در پرداخت اشاره دارد، اما ماهیت آن را روشن نمی‌سازد. برخی ابزار پرداخت را چنین تعریف نموده‌اند: ابزاری است برای انتقال ارزش از یک شخص به دیگری؛ ارزشی که به عنوان قدرت خرید کالاها و خدمات در بازار شناخته می‌شود. (Harris, 2008: 93) در تعریفی دیگر ابزار پرداخت در حقیقت به هر گونه وسیله‌ای اطلاق می‌گردد که دارنده آن می‌تواند نسبت به انتقال وجوه از طریق آن اقدام نماید. (Sardouinasab, 2015: 179) به اعتقاد برخی از محققان، پول خون حیات بخش اقتصادهای مبتنی بر پول است و ابزار پرداخت به هر وسیله‌ای اطلاق می‌گردد که استفاده از آن، چرخش و گردش خون را در هر یک از سیستم‌های پرداخت محقق می‌سازد. (Haldane et al., 2008: 2)

در بند ۲۴ ماده یک دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجوه، مصوب ۱۳۸۵/۸/۳۰ بانک مرکزی، ابزار پرداخت چنین تعریف شده است: «ابزار پرداخت عبارت است از هر گونه ابزار کاغذی یا الکترونیکی که موسسه مالی برای صدور دستور پرداخت در اختیار مشتری قرار می‌دهد؛ نظیر فرم دستور پرداخت، کارت یا نظایر آن»، با توجه به تعاریف مذکور و نقش پول در تعریف ابزار پرداخت می‌توان گفت: هر گونه ابزار کاغذی، پلاستیکی و یا الکترونیکی است که برای ایجاد تعهد پرداخت یا دستور پرداخت یا انتقال ارزش پولی، بین اطراف یک یا چند رابطه

حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ابزارهای پرداخت انواع و اقسام متنوعی دارد که متناسب با سیستم پرداخت مورد توافق طرفین به کار گرفته می‌شوند. به اعتقاد برخی مولفان، ابزارهای پرداخت شامل انواع سکه و اسکناس، اسناد تجاری خاص، کارت‌های بانکی و دستور پرداخت‌های کاغذی و الکترونیکی می‌باشد. (Maggs, 1999:756) از این ابزارهای متفاوت، به عنوان مواد خام و اولیه سیستم پرداخت نیز یاد شده است. (Rambure & Nacamuli, op.cit:23)

با توجه به نیاز اشخاص به استفاده از ابزارهایی که در عین شباهت به پول، ظرفیت و امکان انتقال ارزش پولی و یا ایجاد «تعهد به انتقال ارزش در آینده» را داشته باشند؛ اسناد تجاری جهت تسهیل در انجام معاملات تجاری ابداع و به تدریج به عنوان ابزارهای پرداخت غیر نقدی متداول گردید و قواعد و مقررات مربوط به آن بر اساس رویه‌های متداول بین تجار و بازرگانان تدوین و جنبه جهانی یافت. در حقیقت، امروزه کارکرد این اسناد از لحاظ حقوقی و اقتصادی این است که به عنوان وسیله پرداخت غیر نقدی در معاملات تجاری و حتی مصرف‌کننده مورد استفاده قرار می‌گیرد. (Saghrei, 2008:28, Riper & Roblot, op.cit:179, Sayed Alfeghi, 2010: 5, Nasef, 1999:287) علاوه بر آن، تأمین مالی و تأمین اعتبار به عنوان کارکرد ثانوی این اسناد تلقی می‌شود و در هر حال مستلزم توافق طرفین در پذیرش آن است. (Rambure & Nacamuli, 2008:13)

۲-۳. ترتیبات نهادی و پروتکل‌ها

ترتیبات نهادی بیانگر توافقات بین اشخاصی است که با همکاری ایشان بر مبنای قراردادهای فی‌مابین، ارزش پولی با استفاده از اسناد تجاری به عنوان ابزار پرداخت به طلبکار انتقال می‌یابد و علاوه بر آن، بیانگر قوانین، مقررات و دستورالعمل‌ها در سطح داخلی و بین‌المللی می‌باشد. بر اساس تعریف ارائه شده، سیستم پرداخت ترتیبات سازمان‌یافته‌ای است که سبب انتقال ارزش پولی بین طرفین با استفاده از ابزارهای کاغذی یا الکترونیکی می‌گردد. (Haldane et al., 2008:2) بنابراین، استفاده از اسناد تجاری به عنوان ابزار پرداخت، مستلزم وجود یک سری توافقات مقدماتی است. علاوه بر آن، استفاده از سند تجاری به جای پول نقد، خود مستلزم توافق میان طرفین پرداخت می‌باشد. در این صورت، چگونگی وصول و پرداخت وجه اسناد نیازمند

ضوابط و مقررات قانونی، عرف‌ها و رویه‌های بانکی از یک سو و توافق دارنده و یا طرفین با بانک‌ها و همچنین توافق بانک‌ها با یکدیگر از سوی دیگر است. روند وصول، پرداخت و انتقال مبلغ این گونه اسناد از طریق خدمات پستی، اتاق پایاپای، سامانه‌های الکترونیکی در سطح داخلی و بین‌المللی، بیانگر طراحی، تحوّل و اجرای زیرساخت‌های سخت افزاری، نرم افزاری، ایجاد سامانه‌های الکترونیکی با استفاده از فناوری‌های روز، همگام با تحولات جامعه جهانی است. (Rambure & Nacamuli, 2008:10) مجموع این گونه توافقات، دستورالعمل‌ها، قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی، پروتکل‌ها، عرف‌ها و رویه‌ها، از مهمترین عواملی است که سبب تحقق روند پرداخت و انتقال پول و ارزش پولی بین اطراف آن می‌گردد و از آن به عنوان ترتیبات نهادی یا سازمان یافته در هر سیستم پرداخت یاد می‌شود. بدیهی است کارآیی سیستم پرداخت به ویژه از منظر اقتصادی و عملکردی، مستلزم ترتیبات نهادی و توافقات مناسب میان اطراف مستقیم و غیرمستقیم هر سیستم پرداخت است. (Ibid, 17-19)

۲-۴. ایفا و تسویه

ایفای تعهدات و تسویه، روندی است که غایت و هدف نهایی هر سیستم پرداخت و عنصر ضروری آن است و میزان کارآیی هر سیستم پرداختی در گرو تحقق چنین کارکردی است. (Nakajima, 2011:6) در پرداخت با استفاده از اسناد تجاری خاص (برات، سفته و چک)، بر خلاف پرداخت نقدی، تا زمانی که وجه سند وصول نشود، پرداخت محقق نمی‌گردد، (Eskini, 2006:49, Khaslani, 2015:6) حتی اگر وسیله پرداخت، چک تضمینی بانک باشد؛ زیرا این گونه چک‌ها هم به لحاظ حقوقی وجه نقد محسوب نمی‌شود. (Elsan, 2013:136) هر چند از دید عرف، چک‌های تضمینی، چک بین بانکی و حتی چک‌های وعده‌دار (با سررسید کوتاه مدت چند روزه) شبه نقد محسوب می‌شوند. با وجود این به لحاظ حقوقی وجه نقد محسوب نمی‌شوند. لذا صرف قبض و اقباض آن از سوی طرفین پرداخت و دریافت محسوب نشده و موجب تسویه نهایی و خاتمه تعهدات قراردادی نمی‌شود. مسئولیت تضامنی صادرکننده و سایر متعهدین سند تجاری ابزار قانونی برای تحقق پرداخت و کاهش ریسک عدم نکول است و با پرداخت وجه سند مسئولان اصلی و ثانوی سند بری‌الذمه می‌شوند. (Miller & Jentz, 2010:574)

در صورتی که از اسناد تجاری الکترونیکی به عنوان ابزار پرداخت استفاده شود، زمان پرداخت

در آن تفاوتی با اسناد تجاری کاغذی ندارد. (Omahony et al., 2001:144) ولی دو تفاوت عمده و مهم میان چک الکترونیکی و چک کاغذی وجود دارد. اول، از جهت وجود یا عدم وجود محل است. یکی از مشکلات عمده چک‌های کاغذی این است که به صورت بلا محل صادر می‌گردد و یا در صورت وجود محل نیز امکان برداشت سریعتر آن و یا صدور دستور عدم پرداخت از سوی صادر کننده یا ذی‌نفع وجود دارد. در حالی که در مورد چک‌های الکترونیکی عملاً امکان صدور چک بلا محل وجود ندارد؛ زیرا سیستم‌های صدور چک الکترونیکی به نحوی طراحی شده است که بانک پرداخت کننده هنگام صدور چک، مبلغ مندرج در آن را در صورتی که در حساب صادر کننده وجود داشته باشد تأیید می‌کند؛ و در صورتی که مبلغ ذکر شده در حساب صادر کننده موجود نباشد، سامانه از ادامه فرآیند صدور چک خودداری خواهد نمود. دوم، از جهت صدور چک وعده دار است. در مورد چک‌های کاغذی و یا هر سند تجاری دیگر امکان درج تاریخ مقدم و مؤخر در آن به عنوان تاریخ صدور و پرداخت وجود دارد، در حالی که در چک الکترونیکی امکان صدور چک با تاریخ مقدم بر صدور وجود ندارد. نه تنها امکان صدور چک با تاریخ مقدم و مؤخر وجود ندارد، بلکه حتی ساعت صدور چک هم قید شده و امکان تغییر در آن وجود ندارد. (Sardouinasab, 2015:197)

۳. تحلیل اقتصادی ویژگی‌های اسناد تجاری به عنوان یک سیستم پرداخت

تعهد یا دستور پرداخت بدون قید و شرط، داشتن شرایط شکلی خاص و تشریفاتی بودن اعمال حقوقی مندرج در سند تجاری، قابلیت نقل و انتقال و مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان از مهم‌ترین ویژگی‌های اوراق تجاری است.

(Clarkson, 2012:469, Abdipour, 2015:9, Kavyani, 2011:38) رویکرد ما در تبیین این

ویژگی‌ها، ارائه تحلیلی است که بیانگر کارکرد اسناد تجاری به عنوان یک سیستم پرداخت باشد.

۳-۱. موضوع سند تجاری و مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان آن

موضوع سند تجاری، تعهد به پرداخت مبلغ معینی پول است. (Lawrence, 2002, 20) اگرچه برات و چک بصورت «دستور پرداخت» صادر می‌شوند و دستور گیرنده وجه سند را پرداخت خواهد کرد اما صادر کننده نیز پرداخت وجه سند تجاری توسط دستور گیرنده را تضمین می‌کند و

لذا در صورت عدم پرداخت وجه سند توسط دستورگیرنده یا محال‌علیه، دارنده می‌تواند به صادرکننده هم رجوع کند. البته، محال‌علیه برات هم در صورت امضا و قبولی برات تعهد براتی دارد و ملتزم به پرداخت وجه سند است. در چک نیز اگر چه قبولی به معنای خاص آن وجود ندارد، اما بانک محال‌علیه به میزان موجودی حساب صادرکننده تعهد پرداخت دارد.^۱ (Corley & Shedd, 1989:360, Abdipour, 2016:243)

علاوه بر آن، مطابق قاعده حاکم بر اسناد تجاری، تمامی اشخاصی که به عنوان ضامن یا ظهرنویس، سند تجاری را امضا می‌کنند؛ در برابر دارنده سند تجاری و ایادی مابعد خود، تعهد دارند. تعهدی که در ادبیات حقوقی تعهد براتی نامیده می‌شود و از امضای ورقه تجاری ناشی می‌شود. (Eskini, 2015: 25) اما حق رجوع دارنده به متعهدین سند تجاری در صورتی است که در مهلت مقرر سند را از پرداخت کننده مطالبه نموده و در صورت عدم تأدیه آن را واخواست کرده یا برگشت زده باشد. در این فرض، مسئولیت تضامنی امضاکنندگان محقق می‌شود. (Mohseni, 2011:110)

تعهد و مسئولیت تضامنی امضاکنندگان سند تجاری هم مبنای قانونی و هم مبنای ارادی دارد. (Saghrei, 2008:142) قانون‌گذار برای تأمین کارکرد اقتصادی سند تجاری کلیه امضاکنندگان را متضامناً مسئول تأدیه وجه ورقه تجاری دانسته است، فلسفه این قاعده افزایش کارایی این سیستم پرداخت غیر نقدی و کاهش ریسک نکول محال‌علیه سند تجاری است. (Mc John, 2012:69) از منظر حقوقی، تعهد امضاکنندگان ورقه تجاری یک تعهد ارادی است و در تحلیل حقوقی، هر یک از امضاکنندگان سند تجاری با اراده خود تأدیه شدن ورقه تجاری را تضمین و تعهد می‌کند. (Corley & Shedd, 1989:422)

وصف شکلی سند تجاری و تشریفات بودن اعمال حقوقی مندرج در آن

در همه قوانین ملی و کنوانسیون‌های راجع به اسناد تجاری برای تنظیم و صدور سند تجاری شرایط شکلی خاصی پیش‌بینی شده است. (Eskini, 2015:32) قانون تجارت ایران هم در مواد

۱- این تعهد بانک، تعهد براتی یا تعهد ناشی از امضای ورقه تجاری نیست و مبنای آن قانون و قرارداد صاحب حساب جاری و بانک است.

۲۲۳ و ۳۰۸ و ۳۱۱ به ترتیب شرایط برات، سفته و چک را مقرر داشته و در ماده ۲۲۶ و تبصره ماده ۳۱۹ این قانون، برات، سفته یا چک فاقد شرایط قانونی را از شمول احکام و مزایای سند تجاری مستثنی نموده است. ضرورت رعایت شرایط شکلی در تنظیم، صدور و انتقال سند تجاری در کارکرد آن به عنوان یک ابزار پرداخت نهفته است. (Miller & Jentz, 2010:533) وجود این شرایط روابط میان اطراف سند تجاری را به خوبی تنظیم و به تحقق کارکرد آن به عنوان ابزار پرداخت کمک می‌کند.

این رویکرد قانون‌گذار نه تنها در تنظیم و صدور سند بلکه در سایر اعمال حقوقی مندرج در ورقه تجاری همانند قبولی، ضمانت و ظهرنویسی آن ملاحظه می‌شود. کتبی بودن هر یک از اقدامات فوق و لزوم تسلیم ورقه به معنای تشریفاتی بودن اعمال حقوقی یاد شده است. (Abdipour, 2015:15 & 2016:110, 121) الزامات قانونی مزبور مبتنی بر این قاعده مهم است که «کلیه حقوق از خود سند نشأت می‌گیرد». (Lawrence, 2002:14) لذا تعهد براتی هر یک از امضاکنندگان ورقه تجاری باید در خود سند مکتوب و محقق شود. به لحاظ حقوقی تشریفاتی بودن اعمال حقوقی مندرج در سند تجاری و وصف شکلی ورقه تجاری موجب افزایش ارزش اثباتی آن می‌شود. (Humphrey, 2015:37, Saghrei, 2008:15, Nasef, 1999:289) و در تحلیل اقتصادی، این امر از ریسک انکار اعتبار سند تجاری و تزلزل موقعیت این ابزار پرداخت در روابط معاملاتی افراد جامعه می‌کاهد.

۳-۳. قابلیت نقل و انتقال یا قابل معامله بودن سند تجاری

قابلیت نقل و انتقال از مهم‌ترین ویژگی‌های اسناد تجاری است. به گونه‌ای که این اوراق در ادبیات کامن لایی، «اسناد قابل معامله» نامیده می‌شوند. این قابلیت لازمه منطقی کاربرد اقتصادی آنها به عنوان وسیله یا ابزار پرداخت است. ابزار پرداختی که قابلیت گردش داشته و در فاصله میان صدور تا سررسید می‌تواند مکرراً به عنوان وسیله پرداخت در معاملات مختلف مورد استفاده قرار گیرد.

موضوع بسیار مهمی که باید به آن توجه داشت، این است که «انتقال ورقه تجاری» با «انتقال ساده طلب» یا انتقال حق شخصی از سوی متعهدله، تفاوت‌های اساسی دارد. در انتقال سند تجاری خود ورقه تجاری موضوعیت دارد و با تمام حقوق و مزایای قانونی آن به انتقال گیرنده منتقل می‌شود. با انتقال سند تجاری، انتقال گیرنده وضعیت حقوقی بهتری نسبت به انتقال دهنده پیدا می‌کند؛ زیرا در صورتی که این انتقال با ظهرو نویسی یا امضای ظهر ورقه از سوی انتقال دهنده همراه باشد، انتقال دهنده هم به جمع مسئولین سند اضافه می‌شود و به لحاظ حقوقی چنین فرض می‌شود که او هم تأدیه شدن ورقه تجاری در سررسید را تضمین نموده است. از این رو، انتقال گیرنده حق رجوع به او را خواهد داشت. ثانیاً، با انتقال سند تجاری خواه با ظهرو نویسی خواه با قبض و اقباض ورقه، ایرادات و دفاعیات مربوط به روابط پیشین در برابر دارنده سند تجاری قابل طرح و استناد نمی‌باشد. (Corley&Shedd,op.cit:356)

در تحلیل اقتصادی این ویژگی باید گفت: قابلیت نقل و انتقال اسناد تجاری و سهولت گردش این اسناد و رغبت و تمایلی که در پذیرش و قبول این اسناد در معاملات وجود دارد، در واقع برخاسته از اعتبار قانونی این اسناد است که در صورت گردش و نقل و انتقال، مستقل از معامله منشاء صدور سند، «خود سند تجاری» ارزش و اعتبار دارد و برای دارنده آن حق و برای امضاکنندگان سند، تعهدی را به نام «تعهد براتی» ایجاد می‌کند. این وضعیت که ناشی از وصف تجریدی سند تجاری است، موجب می‌شود که انتقال گیرنده سند تجاری نگرانی و دغدغه‌ای در خصوص وضعیت قانونی معامله منشأ صدور سند تجاری نداشته باشد و با اطمینان خاطر از این که به لحاظ قانونی ایرادات مربوط به روابط صادرکننده با انتقال دهنده، اصولاً در برابر انتقال گیرنده سند قابل طرح و استناد نیست، حاضر به پذیرش سند و قبول آن به عنوان وسیله پرداخت در معامله خود با انتقال دهنده می‌شود. این در حالی است که در انتقال ساده طلب یعنی در انتقال طلبی که مبتنی بر سند تجاری نیست، ایرادات و مسائل حقوقی ناشی از رابطه میان بدهکار و انتقال دهنده طلب، در برابر انتقال گیرنده طلب نیز قابل طرح است.

۴. تحلیل اقتصادی اصول حاکم بر اسناد تجاری به عنوان یک سیستم پرداخت

استقرای در قوانین تجاری و کنوانسیون‌های بین‌المللی حاکم بر اسناد براتی یا اوراق تجاری خاص نشان می‌دهد، اصل استقلال امضاها، اصل استقلال تعهد براتی از تعهد پایه که به وصف

تجربیدی اوراق تجاری معروف است، اصل غیر قابل استناد نبودن ایرادات و دفاعیات مربوط به روابط پیشین در برابر دارنده سند تجاری و اصل بقای رابطه حقوقی اصلی تا زمان وصول و تأدیه سند تجاری؛ اصول بنیادین حاکم بر این اوراق و به تعبیر دقیق‌تر، حاکم بر قوانین و مقررات ناظر بر اوراق یاد شده‌اند. (Eskini, 2015:6, Kavyani, 2011:137, Saghrei, 2008, 51-53) به گونه‌ای که تفسیر صحیح و منطقی این مقررات در گرو درک صحیح این اصول و قواعد است. فلسفه وضع این قواعد و اصول، شکل‌گیری رژیم حقوقی خاصی است که کارکرد اقتصادی اوراق تجاری را به عنوان ابزار پرداخت و مالاً به عنوان سیستم پرداخت غیر نقدی تضمین نماید. از آن جا که «امنیت» و «اعتماد» از مهم‌ترین ارکان و عناصر ضروری سیستم‌های پرداخت به شمار می‌رود. (Turner & Wunnicke, 2003:171, Abrazhevich, 2004:36) هدف غایی این قواعد تقویت اعتبار اسناد تجاری به واسطه کاهش ریسک عدم پرداخت آن‌ها و نهایتاً افزایش اعتماد اشخاص به اسناد تجاری و پذیرش آن‌ها در معاملات به عنوان یک وسیله پرداخت است. بر این اساس، تحلیل اقتصادی و کارکردگرایانه اصول و قواعد حاکم بر اوراق تجاری می‌تواند در افزایش کارایی آن‌ها به عنوان یک سیستم پرداخت کارآمد از یک سوی و شکل‌گیری رویه‌های قضایی مطلوب بر مبنای درک صحیح قضات محاکم از اصول و قواعد یاد شده و اجرای مطلوب مقررات ناظر به اوراق تجاری، بسیار مؤثر و راهگشا باشد.

۴-۱. اصل استقلال امضاها

اصل استقلال امضاها در اسناد تجاری بدین معناست که تعهد و مسئولیت هر یک از امضاکنندگان ورقه تجاری مستقل از تعهد و مسئولیت سایر امضاکنندگان سند تجاری است؛ بنابراین اگر یکی از امضاکنندگان سند با اثبات این که امضایش جعل شده یا اهلیت نداشته، از مسئولیت معاف شود، سایر امضاکنندگان نمی‌توانند با تمسک به این امر از خود سلب مسئولیت کنند. (Abdipour, 2015:22, Riper & Roblot, 2008:207)

مبنای این قاعده، تعهد براتی هر یک از امضاکنندگان ورقه تجاری است که در قانون پیش‌بینی شده و هر فردی با امضای ارادی ورقه آن را می‌پذیرند. در تحلیل حقوقی قضیه باید گفت هر یک از فرآیندهای صدور، قبولی، ضمانت و ظهرونیسی ورقه تجاری یک عمل حقوقی مستقل با آثار حقوقی مستقل است و مهم‌ترین اثر آن ایجاد تعهد براتی مستقل برای عناوین یاد شده است.

در تحلیل اقتصادی این قاعده باید گفت: فلسفه وجودی اصل استقلال امضاها یا مستقل بودن تعهد براتی امضاکنندگان ورقه تجاری نیز در تحقق کارکرد اسناد تجاری به عنوان یک سیستم پرداخت نهفته است. این قاعده، پرداخت وجه ورقه تجاری توسط سایر امضاکنندگان را تضمین می‌کند و ریسک عدم وصول ورقه تجاری و به طور کلی ریسک عدم وصول مطالبات را برای بنگاه‌های تجاری کاهش می‌دهد.

۲-۴. استقلال تعهد براتی از تعهد پایه (وصف تجریدی)

صدور سند تجاری معمولاً مسبق به وجود یک دین یا تعهد است و ورقه تجاری به عنوان ابزار پرداخت آن به کار گرفته می‌شود. از سوی دیگر، قانون‌گذار برای تحقق کارآمد این کارکرد مهم ورقه تجاری و به منظور تضمین حق دارنده مبنی بر مطالبه و وصول قطعی سند تجاری، برای تمامی امضاکنندگان سند تجاری تعهدی به نام «تعهد براتی» مقرر داشته است که از امضای ورقه تجاری ذیل عنوان صادرکننده، قبول‌کننده، ضامن و ظهرنویس ناشی می‌شود. تعهد براتی جایگزین تعهد پایه نمی‌شود بلکه آن را تقویت می‌کند و موجبات تضمین اجرای آن را فراهم می‌کند. (Abdipour, 2016:54, Sayd Alfeghi, 2010:26, Naseif, 1999:289)

مطابق قاعده حاکم بر اوراق تجاری، به محض گردش ورقه تجاری یعنی با اولین انتقال، سند تجاری وصف تجریدی به خود گرفته و تعهد براتی از تعهد پایه مستقل و جدا می‌شود. (Mc John, 2012:4) استقلال تعهد براتی پس از گردش و انتقال ورقه تجاری، این مزیت قانونی را به نفع دارنده یا دارندگان بعدی ورقه فراهم می‌کند که تعهد امضاکنندگان در پرداخت وجه ورقه تجاری متأثر از وضعیت قانونی تعهد پایه قرار نمی‌گیرد و حتی در فرض سقوط تعهد پایه، دارنده با حسن نیت ورقه تجاری را قادر می‌سازد وجه سند تجاری را از مسئولین آن مطالبه نماید. (Lawrence, 2002:15, Ibid:37)

در تحلیل اقتصادی، این قاعده علاوه بر تضمین حقوق دارنده با حسن نیت ورقه تجاری و مصون ماندن آن از ایرادات و دفاعیات مربوط به تعهد و قرارداد پایه، به تأمین کارکرد مهم اوراق تجاری به عنوان یک سیستم پرداخت کمک می‌کند. همان گونه که گفته شد اوراق تجاری نه فقط در مرحله صدور بلکه هنگام ظهرنویسی و نقل و انتقال‌های بعدی نیز به عنوان وسیله پرداخت دین یا تعهد منشأ ظهرنویسی ورقه تجاری عمل می‌کنند و ورقه تجاری نقش خود را به عنوان یک

ابزار پرداخت در مراحل بعدی هم بازی می‌کند. استقلال تعهد براتی از تعهد منشأ صدور سند، اعتماد لازم را در انتقال گیرنده و انتقال گیرندگان بعدی ورقه تجاری فراهم می‌کند و با اطمینان کافی ورقه تجاری را به عنوان وسیله پرداخت معامله خود با انتقال دهنده، می‌پذیرد؛ زیرا می‌داند که ایرادات و دفاعیات مربوط به روابط انتقال دهنده و صادرکننده خللی در حق مطالبه وجه سند تجاری برای او ایجاد نمی‌کند و این امر نقش بسیار مهمی در کارآمدی این سیستم پرداخت ایفا می‌کند.

یک سیستم پرداخت کارآمد آن است که ابزارهای پرداخت آن در نهایت منجر به تسلیم یا انتقال ارزش پولی به دارنده یا طلبکار شود و به استناد روابط حقوقی سابق، حقوق دارنده فعلی و طلبکار نهایی متزلزل نشود؛ به عبارت دیگر، وصف تجریدی سند تجاری به قطعیت پرداخت وجه اوراق تجاری و افزایش کارایی این سیستم پرداخت کمک می‌کند. با این همه، باید متذکر شویم که سند تجاری در مرحله صدور وصف تجریدی ندارد و با گردش سند و انتقال آن به دارندگان بعدی است که وصف تجریدی می‌یابد و تعهد براتی از تعهدات مستقل و جدا می‌شود. قاعده‌ای که به گردش سند تجاری و استفاده از آن به عنوان یک وسیله پرداخت در معاملات تجاری کمک می‌کند.

تنها موردی که تعهد براتی قبل از گردش ورقه تجاری وصف تجریدی دارد، تعهد براتگیر در برات است که در صورت امضا و قبول بی‌قید و شرط برات ملزم به تأدیه وجه برات در سر وعده است (ماده ۲۳۰ ق.ت) و نمی‌تواند در برابر دارنده به ایرادات و دفاعیات مربوط به روابط خود با برات دهنده استناد کند. (Abdipour, 2016:107, Sokuti Nasimi, 2015:113) مگر این که برات را به نحو مشروط قبول کرده باشد که در این صورت، در حدود شرط مسئول پرداخت وجه برات است. (ماده ۲۳۳ ق.ت).

۳-۴. اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات و دفاعیات مربوط به روابط پیشین در برابر دارنده با حسن نیت سند تجاری

این اصل یا قاعده، نتیجه منطقی قاعده قبلی است. (Naseif, 1999:289) مسئولیت تضامنی امضاکنندگان در برابر دارنده ورقه تجاری ناشی از تعهد براتی آن‌ها یعنی تضمین پرداخت وجه ورقه تجاری است که در فرض گردش سند تجاری وصف تجریدی یافته و از تعهد پایه جدا شده

و استقلال می‌یابد؛ بنابراین، استناد به ایرادات و دفاعیاتی که مربوط به روابط پیشین یعنی روابط انتقال‌دهنده با دارنده قبلی یا صادرکننده است و به طور کلی ایرادات و دفاعیات مربوط به معامله منشأ صدور ورقه تجاری در برابر دارنده فعلی سند تجاری قابل طرح و قابل استناد نیست. (Mann & Roberts, 2012:527, Miller & Jentz, 2010:553, Katouzian, 1992:107, Saghri, 2008:223) زیرا مبنای تعهد و مسئولیت امضاکنندگان در برابر دارنده، تعهد براتی آن‌هاست که در فرض گردش سند از تعهد پایه یا جدا و مستقل شده است. البته اعمال این قاعده منوط به آن است که دارنده ورقه تجاری دارنده مشروع و مورد حمایت قانون می‌باشد؛ یعنی ورقه را از طریق مشروع تحصیل کرده و از عیب سند آگاه و مطلع نبوده باشد. (Kavyani, 2011:140)

بدیهی است، ایرادات مربوط به خود ورقه تجاری و هم‌چنین ایرادات و دفاعیات مربوط به روابط معاملاتی مستقیم میان متعهد و دارنده سند تجاری از شمول قاعده یاد شده خارج است. (Mc John, 2012:99)

در تحلیل اقتصادی این قاعده باید گفت: قاعده یاد شده لازمه تمامی سیستم‌های پرداخت غیر نقدی و به عبارت دقیق‌تر، لازمه اعتماد اشخاص به پذیرش این نوع سیستم پرداخت در روابط معاملاتی خود است. امکان استناد به ایرادات و دفاعیات مربوط به روابط حقوقی که هیچ‌گونه ربطی به دارنده ورقه تجاری ندارد و دارنده از وجود آن مسائل آگاهی ندارد، حقوق دارنده و اعتبار ورقه تجاری به عنوان یک ابزار پرداخت را به شدت متزلزل می‌سازد و چنین سیستم پرداختی را کاملاً ناکارآمد می‌کند. کارآیی هر سیستم پرداخت در گرو قطعیت پرداخت در موعد مقرر است تا هدف غایی که تسهیل معاملات تجاری و گردش ثروت است، محقق گردد.

۴-۴. اصل بقای رابطه حقوقی اصلی و رابطه میان تعهد براتی و دین یا تعهد پایه

همان‌گونه که گفته شد، صدور سند تجاری مسوق به وجود یک رابطه حقوقی است که برای یک طرف رابطه دین یا تعهدی ایجاد می‌کند و سند تجاری هم به عنوان وسیله پرداخت آن صادر و تسلیم طلبکار می‌شود. رابطه حقوقی مزبور که بر حسب مورد ممکن است عقد و قرارداد یا واقعه حقوقی باشد، به عنوان رابطه حقوقی پایه، اصلی و منشأ صدور سند تجاری شناخته می‌شود

اصل بقای رابطه حقوقی اصلی بدین معناست که به صرف صدور سند تجاری و تسلیم آن به طلبکار، رابطه حقوقی اصل و تعهد ناشی از آن از بین نمی‌رود و در صورتی که سند تجاری تأدیه نشود، طلبکار می‌تواند از امکانات و مزایای قانونی قرارداد پایه نیز استفاده

کند. (Abdipour, 2015:29, 2016: 64) بدیهی است، مفهوم این اصل یا قاعده این نیست که طلبکار همزمان می تواند مبلغ قرارداد و وجه سند تجاری را مطالبه کند؛ زیرا مطابق توافق صریح یا ضمنی مابین طرفین، سند تجاری به عنوان وسیله یا ابزار پرداخت همان طلب صادر شده است و اگر طلبکار بخواهد مبلغ قرارداد را مطالبه و وصول کند صرفاً باید از طریق مطالبه وجه ورقه تجاری اقدام نماید؛ اما این امر مانع از آن نیست که در صورت عدم وصول ورقه تجاری، طلبکار بتواند از شیوه های جبران عدم اجرای تعهدات قرارداد پایه، همانند حق حبس و تعلیق اجرای تعهدات خود یا حق فسخ قرارداد، استفاده نماید. (Ibid, Saghrei, 2008:53)

با توجه به توضیحات یاد شده، پذیرش سند تجاری از سوی طلبکار اصولاً به عنوان ابزار پرداخت طلب قراردادی اوست و متعهدله یا طلبکار نمی خواهد بدین سان خود را از امکانات و مزایای قانونی قرارداد یا رابطه حقوقی پایه محروم نماید؛ بنابراین، در نظام های حقوقی مختلف بر این قاعده تأکید شده است که سند تجاری اصولاً موجب تبدیل تعهد نمی شود (Riper & Roblot, 2008:192) و این تصور که با صدور و تسلیم سند تجاری، تعهد براتی جایگزین تعهد پایه یا اصلی می شود، با اصول و قواعد حاکم بر اوراق تجاری و نیز با کارکرد سند تجاری به عنوان یک ابزار پرداخت منافات دارد و تعابیری همانند «وصف جایگزینی سند تجاری» (Bahrami, 2013:134) عبارتی ساختگی است و در هیچ یک از نظام های حقوقی چنین توصیفی از سند تجاری مطرح نشده است.

در تحلیل اقتصادی قضیه و با در نظر گرفتن کارکرد اصلی سند تجاری، اصولاً هدف از صدور و تسلیم ورقه تجاری به طلبکار قراردادی آن است که ابزاری برای پرداخت مبلغ قرارداد باشد و تعهد یا التزام امضاکنندگان به پرداخت وجه ورقه نیز سازوکاری قانونی برای تحقق و تضمین این پرداخت است. پس تعهد براتی یا تعهد ناشی از امضای ورقه تجاری جایگزین تعهد پایه و اصلی نمی شود بلکه ابزاری قانونی برای تضمین ایفا و پرداخت همان تعهد است؛ به عبارت دیگر، تعهد براتی تعهد اصلی را تقویت و ایفای آن در سررسید را تضمین می کند.

پذیرش سند تجاری از سوی طلبکار اصولاً به عنوان ابزار پرداخت طلب قراردادی اوست و متعهدله یا طلبکار نمی خواهد بدین سان خود را از امکانات و مزایای قانونی قرارداد یا رابطه حقوقی پایه محروم نماید. (Furmston, 2001:24, Maggs, 1999:792, Mc john, 2012:37) بنابراین، در نظام های حقوقی مختلف بر این قاعده تأکید شده است که سند تجاری اصولاً موجب تبدیل تعهد

نمی‌شود.

در تحلیل رابطه میان تعهد براتی و دین یا تعهد پایه باید گفت: سند تجاری وسیله پرداخت غیر نقدی است که سازوکاری را برای پرداخت آسان‌تر دین و تعهد منشأ صدور خود با ضمانت اجراهای قانونی بیش‌تر فراهم می‌کند. سند تجاری پول یا شبه پول نیست و برخلاف پول فی نفسه ارزش و مالیت ندارد و ارزش و مالیت آن وابسته به طلب پولی است که در سند منعکس است. (Mousavi Khomaeini, 2-1984:552, Khoei, 4-1992:407, Vahid Khorasani, 2007:758) بنابراین، تا زمانی که وجه سند مطالبه و وصول نشود، دین یا تعهد منشأ صدور پرداخت نشده است و با تأدیه وجه سند است که هم تعهد براتی ایفاء می‌شود و هم دین یا تعهد منشأ صدور سند پرداخت می‌شود؛ زیرا نه در لحظه صدور، بلکه در زمان تأدیه وجه سند تجاری است که «ارزش پولی» به دارنده انتقال یافته یا در ید دارنده قرار می‌گیرد. بر این اساس، حتی برات به رؤیت و نیز چکی که به تاریخ روز صادر می‌شود، وسیله پرداخت غیر نقدی هستند، اگر چه دستور پرداخت فوری یا بدون وعده محسوب می‌شوند. (Lawrence, 2002, 194, Mc john, 2012, 37)

فایده مهم برات یا چکی که به صورت دستور پرداخت فوری صادر می‌شود، آن است که از گردش و نقل و انتقال فیزیکی پول رایج جلوگیری و از مخاطرات آن اجتناب می‌شود و در این موارد معمولاً «ارزش پولی» به صورت «پول تحریری» یا «پول بانکی» از حساب صادرکننده به حساب دارنده چک منتقل می‌شود و در این هنگام است که دین یا تعهد منشأ صدور سند تسویه و ایفاء می‌شود؛ اما سند تجاری وعده دار، ابزاری برای پرداخت‌های مؤجل است که معمولاً با سررسید کوتاه مدت مورد استفاده قرار گرفته و موجبات تسهیل معاملات تجاری را فراهم می‌کند. این کارکرد، اختصاص به مرحله صدور سند ندارد و در نقل و انتقال بعدی هم سند تجاری می‌تواند به عنوان وسیله پرداخت دین یا تعهد منشأ ظهن نویسی مورد استفاده قرار گیرد و جالب آن است که در مرحله انتقال سند تجاری مکانیسم عمل سند تجاری در پرداخت دین یا تعهد منشأ ظهن نویسی متفاوت از مرحله صدور سند است و ظهن نویسی با انتقال ورقه تجاری طلب پولی مندرج در سند تجاری را که بر حسب مورد دین یا مال کلی در ذمه صادرکننده یا قبول کننده سند تجاری است، در مقابل دریافت وجه یا کالا یا خدمات موضوع معامله منشأ ظهن نویسی، به انتقال گیرنده واگذار می‌کند (Abdipour, 2015:79) و در این صورت، در تحلیل فقهی و حقوقی قضیه باید گفت: پرداخت معامله منشأ ظهن نویسی در زمان انتقال ورقه تجاری محقق می‌شود. برخلاف

پرداخت معامله منشأ صدور سند که تا زمان تأدیه وجه سند تجاری در سررسید به تأخیر می‌افتد. در تحلیل اقتصادی قضیه هم باید گفت: سند تجاری یک وسیله پرداخت غیر نقدی در معاملات تجاری و گاه مصرفی است (Mann & Roberts, 2012:497) و معمولاً متعاقب قرارداد پایه و توافق طرفین بر استفاده از سند تجاری به عنوان وسیله پرداخت، صادر می‌شود. لیکن به صرف صدور سند تجاری و تسلیم آن به طلبکار پرداخت محقق نمی‌شود. مطلب مهم دیگر در توضیح اصل بقای رابطه حقوقی پایه، آن است که در صورت گردش سند تجاری، اگر چه طلب منعکس شده در ورقه تجاری به نفع دارندگان بعدی منتقل می‌شود، اما رابطه حقوقی پایه میان طرفین اصلی رابطه باقی می‌ماند و منتقل نمی‌شود و صرفاً طلب ناشی از آن منتقل می‌شود. بر همین اساس، گفته می‌شود صادرکننده نمی‌تواند ایرادات یا دفاعیات مربوط به رابطه معاملات خود با دارنده اول را در مقابل دارندگان بعدی سند مطرح سازد. (Clarkson, 2012:486)

نتیجه‌گیری

اسناد تجاری از منظر کارکردی در بین سیستم‌های «انتقال ارزش پولی» به سیستم پرداخت غیر نقدی موسوم است. برای تحقق این کارکرد، اسناد تجاری از ویژگی‌ها و اصولی برخوردارند که مفهوم و آثار آنها در برخی قوانین داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی، دکترین و رویه قضایی انعکاس یافته است. ویژگی مهم این اسناد در موضوع آن، وصف شکلی، قابلیت نقل و انتقال و مسئولیت تضامنی امضاکنندگان است. با توجه به اینکه موضوع این اسناد تعهد یا دستور پرداخت مبلغی پول است، سند تجاری به ابزار پرداخت موسوم است. وجود شرایط شکلی خاص نقش موثری در تنظیم روابط اطراف سند تجاری و افزایش ارزش اثباتی آن دارد. قابلیت نقل و انتقال اسناد تجاری از چنان اهمیتی برخوردار است که اسناد تجاری خاص به این نام و عنوان شناخته می‌شود و آنها را اسناد قابل معامله می‌نامند. در اسناد تجاری سند موضوعیت داشته و تمام حقوق و مزایای مترتب بر آن از سند ناشی می‌شود. پس، آنچه انتقال می‌یابد، «سند تجاری» بر مبنای همین مفهوم و ویژگی است. در حالی که تا یک قرن پیش، در نظام‌های کامن‌لایی و رومی - ژرمنی امکان انتقال «حق دینی» به جهت اینکه یک رابطه شخصی تلقی می‌شد، وجود نداشت؛ از چند قرن پیش از آن انتقال

و مبادله ورقه تجاری به عنوان یک «مال و دارایی» پذیرفته شده بود و این مبتنی بر فرض عینیت یافتن طلب به عنوان بُعد مثبت تعهد و تبلور و مادی سازی آن در شیء خارجی (یعنی ورقه تجاری) بود. فرآیندی که امروزه شکل پیشرفته آن را در بازارهای مالی تحت عنوان «تبدیل مطالبات و حقوق مالی به اوراق بهادار قابل معامله»^۱ شاهد هستیم.

پیش‌بینی تعهد براتی امضاکنندگان ورقه تجاری و مسئولیت تضامنی آنها، برای حمایت از دارنده سندی است که بر خلاف پول، فاقد حمایت و پشتیبانی دولت و قوای حاکم می‌باشد. قانونگذار برای جبران این خلاء و حصول اعتماد مردم به این اوراق، برقراری مسئولیت تضامنی را راهکار مناسبی دانسته است تا با اتکای بر مسئولان متعدد سند بر فرض عدم پرداخت در سررسید اطمینان یابند که با مراجعه به تمام یا برخی از امضاکنندگان مبلغ سند وصول خواهد شد. بدون تردید این ویژگی مهم نیز از آن جهت است که اسناد تجاری به عنوان ابزار پرداخت کارآمد مورد مبادله قرار گرفته و به عنوان یک سیستم پرداخت، انتقال ارزش پولی و ایفا و تسویه را در پی داشته باشد.

اصول و قواعد حاکم بر این اسناد نیز عمدتاً در جهت تقویت اعتبار این اوراق و پذیرش آنها در مبادلات بین اشخاص و تحقق کارکرد اوراق تجاری به عنوان ابزار پرداختی که با مکانیسم عمل خاص، ایفا و تسویه دیون و تعهدات را در پی دارد، قابل تفسیر و توجیه است. اصل استقلال امضاها بیانگر آن است که تعهد هر امضاکننده مستقل از سایر امضاکنندگان است؛ به طوری که اثبات بطلان یک امضا سبب سلب اعتبار سند و رفع مسئولیت سایر امضاکنندگان نمی‌شود. وجود این قاعده به دارنده ورقه اطمینان بیشتری در وصول طلب مندرج در آن را می‌دهد و به تأمین نقش اقتصادی ورقه تجاری بعنوان یک سیستم پرداخت کمک می‌کند.

«تعهد براتی» تضمین تأدیه شدن سند تجاری در سررسید است و بنابر وصف تجریدی ورقه تجاری، در صورت انتقال و گردش ورقه از تعهد پایه جدا می‌شود و مسئولان سند نمی‌توانند در برابر دارنده به ایراداتی متوسل شوند که ناشی از روابط ایشان با دارندگان قبلی سند تجاری است. این اصول نیز بر اعتبار سند تجاری افزوده و باعث اعتماد اشخاص در پذیرش چنین اسنادی بعنوان

وسیله پرداخت است و لذا دو عنصر ضروری «امنیت» و «اعتماد» را برای این نوع سیستم پرداخت فراهم می کند.

در نظام های حقوقی مختلف بر این قاعده تأکید شده است که سند تجاری اصولاً موجب تبدیل تعهد نمی شود و این تصور که با صدور و تسلیم سند تجاری، تعهد براتی جایگزین تعهد پایه یا اصلی می شود، با اصول و قواعد حاکم بر اوراق تجاری و نیز با کارکرد سند تجاری به عنوان ابزار پرداخت دین یا تعهد منشأ منافات دارد. اگر ورقه تجاری کارکردی همانند تبدیل تعهد می داشت، بطلان یا عدم نفوذ تعهد سابق یا تعهد پایه موجب بطلان تعهد لاحق می شد، در حالی که در اوراق تجاری بر مبنای «وصف تجریدی» آنها، در فرض گردش سند تجاری، قاعده استقلال تعهد براتی از تعهد پایه و قاعده قابل استناد نبودن ایرادات و دفاعیات مربوط به روابط حقوقی پیشین حاکم است.

در تحلیل اقتصادی، سند تجاری یک وسیله پرداخت غیر نقدی در معاملات تجاری و گاه مصرفی است (Mann & Roberts, 2012, 497) و معمولاً متعاقب قرارداد پایه و توافق طرفین بر استفاده از سند تجاری به عنوان وسیله پرداخت، صادر می شود. لیکن به صرف صدور سند تجاری و تسلیم آن به طلبکار پرداخت محقق نمی شود، بلکه با وصول سند تجاری و تسلیم «ارزش پولی» به دارنده ورقه، پرداخت محقق می شود. از این رو، نمی توان این اسناد را «ابزار پولی یا جانشین پول» دانست، بلکه باید آن را «ابزار پرداخت» و رابط بین قرارداد و ابزارهای پولی به حساب آورد.

References

- [1] Abdipour Fard, Ebrahim. (2015). Business law: Analytical Discussions, 4ed, Qom, Pajouheshgahe Houzeh & Daneshgah Publication.(in Persian)
- [2] Abdipour Fard, Ebrahim. (2016). Commercial Law, Tehran, Majd Publication.(in Persian) Abrazhevich, Dennis. (2004). Electronic Payment Systems: a user-centered perspective and interaction design, Eindhoven, Technische Universiteit Eindhoven.
- [3] Ackaff, Russell. L. (1971). Towards a System of Systems Concepts, Management Science, Vo 17, No 11.
- [4] Akhlaghi, Behrouz(2002). Business law, Law and Political Science Faculty of Tehran University. (in Persian).
- [5] Bahrami, Bahram(2013).Principles of Negotiable Instruments,Tehran, Negahe Baieeneh Publication. (in Persian)
- [6] BIS(Bank for International Settlements)(2001). Core Principles for Systemically Important Payment Systems, Basel(Switzerland).Press &Library

- Services.
- [7] Federal Reserve Bank of New York, Central Banking seminar. (2000). Payments Systems Studies Staff, available at: www.newyorkfed.org/banking/centralbank_overview.
- [8] Clarkson, Kenneth A, Miller, Roger Leroy & Cross, Frank B. (2014). Business Law Text and Cases, 13ed, USA, South -Western, Learning.
- [9] Corley, Robert N & Shedd, Petter J. (1989). Principles of Business Law, New Jersey, Prentice Hall.
- [10] Douydar, Haani M(1995). An Intruduction to Business Law, Lebanon, Beyrout, Dar Alnehzat Alarabia.(in Arabic)
- [11] Fakhari, A H(2001). Negotiable Instruments, Law Faculty of Shaheid Beheshti University. (in Persian)
- [12] Elsan, Mostafa (2013). Banking Law, 4ed, Tehran, Samt Publication.(in Persian)
- [13] Eskini, Rabia(2014). Commercial Law: Bill of Exchange, Promissory Note, Warrant, Bearer Bonds and Check, Tehran, Samt Publication.(in Persian)
- [14] Furmeston, Michael. (2001). Principles of Commercial law, 2th Ed, London, Cavandish publishing.
- [15] Haldane, Andrew G, Millard, Stephen and Saporta, Victoria. (2008). The Future of Payment Systems, London and New York, Routledge.
- [16] Harris, Steven. L. (2008). Payment Systems Electronic Casebook, New York, Wolters Clower Iaw & Business.
- [17] Humphrey, Dayvid,(2015). Payment Systems Principles, Practice and Improvement, Washington, D.C, The World Bank.
- [18] Katouzian, N(2008). Civil Law Eighaa, 5ed, Tehran, Yaalda Publignation.(in Persian) Kavyani, K(2010). The Law of Negotiable Instruments, 3ed, Tehran, Mizan Legal Foundation. (in Persian)
- [19] Khaslani, Saad Ibn Tourkey,(2006) Principles of Negotiable Instruments in Islam, 3ed, Saudi Arabia, Dammam, Dar Ibn Aljouzi.(in Arabic)
- [20] Khoei, Sayed Abolghasem(1992). Minhaj o-Salehin, 28ed, Qom, Madinah Tolelm Publication. (in Arabic)
- [21] Lawrence, Lary. (2015). Payment Systems, New York, Wolters Kluwer.
- [22] Lawrence, William .H. (2002). Understanding Negotiable Instruments and Payment Systems, Matthew Bender & Company a member of The Lexis Nexis Group.
- [23] Maggs, Gregory E. (1999). New Payment Devices and General Principles of Payment Law, Notre Law Review, Vo 72, Is 3, 752- 798.
- [24] Mann, Richard A & Roberts, Barry S. (2012). Business Law, 15ed, USA(Mason). South -Western Learning.
- [25] Mc john, Stephen. M. (2012). The Glannon Guide to Commercial Paper and Payment Systems, 2thed, New York, Wolters kluwer Iaw & Business.
- [26] Moein, M(2001). Persian Dictionary, Tehran, Amir Kabeir Publication.(in Persian)
- [27] Mohseni, Saaeid(2011). The Concept of Delay Payment Losses in Negotiable

- Instruments, Justice Law Journal. (69). (in Persian)
- [28] Mousavi Khomeini, S R. (1984) Tahrir ol-Vasileh, Vol 2, Qom, Co. Islamic Publication. (in Persian)
- [29] Nakajima, Masashi. (2011). Payment System Technologies and Functions Innovations and Developments, USA, Business Science Reference.
- [30] Nasief, Elyaas(1999). Business Law, Vo1, Beirut, Ouyedat Publigation.
- [31] Omahony, Donal, Pierce, Michael & Tewari, Hitech. (2001).Electronic Payment Systems for E- Commerce, 2 th ed, Boston- London, Artech House. (in Arabic)
- [32] Radu, Cristian. (2003). Implementing Electronic Card Payment Systems, Boston- London, Artech House.
- [33] Rogers, James Steven. (2004). The Early History of the Law of Bills and Notes, Cambridge, Cambridge University Press.
- [34] Rambure, Dominique & Nacamuli, Alec. (2008). Payment Systems from the Salt Mine to the Board Room, Palgrave Macmillan.
- [35] Riper & Robelloue(2008). Business Law, Vo 2, Beirut, Co. Publication.(in Arabic)
- [36] Roark, Mark. (2015). Payment Systems, Consumer Tragedy, and Ineffective Remedies, St. John Law Review, Vol 88, No 1.
- [37] Saghri, M. (2008). Business Law, Commercial Instrument. 2th ed, Tehran, Enteshar Co. Publication. (in Persian)
- [38] Sardoueinassab, M(2015). Electronic Commercial Instruments, Vo1, Tehran, Co. Mizan Publication.(in Persian)
- [39] Sayed Al fehgei, M (2010). Law of Commercial Instruments, Beirut, Al Halabi Publication. (in Arabic)
- [40] Sokuti Nasimi, R (2015). Law of Commercial Instruments, Tehran, Co.Majd Publication. (in Persian)
- [41] Talahemeh, Khallid Ebrahim(2012).An Intruduction to Business law, Jordan, Amman, Dar Vaeil Publication.(in Arabic)
- [42] Turner, Paul & Wunnicke, Dian. (2003). Managing the Risks of Payment Systems, New Jersey, Wiely and Sons.
- [43] Vahid Khorasani, H. (2009). Towzih Al-Masa'el, 9th ed, Qom, Imam Baqer, School. (in Persian)